

رویکرد آیینی ارتباطات از ضرورت دیدار حضوری، مستقیم و مواجهه زیسته با پدیده‌ها دفاع می‌کند.

ارتباطات آیینی، ارتباطی مبتنی بر اجرا بوده و ماهیت جمعی و اجتماعی دارد. برای نمونه، تئاتر یک اجرا است یا آیین‌های شب یلدا، چهارشنبه‌سوری، نوروز و نظایر آن نیز ذیل ارتباطات آیینی دسته‌بندی می‌شوند. به بیان عام‌تر، هر چیزی که در فضای ارتباطات سنتی در قالب آیین‌ها داشتیم از تعزیه تا جشن‌ها، زیرمجموعه ارتباطات آیینی است. یعنی واسطه الکترونیک یا رسانه ارتباط جمعی برای آن وجود ندارد که فاصله ایجاد کند؛ در حالی که در ارتباطات انتقالی، فاصله وجود دارد.

مسیر ارتباطات انتقالی هرچند قدرت افزایشی دارد (وسعت یافتن تعداد مخاطبان) و فرصت‌هایی را در اختیار ما قرار می‌دهد اما تهدیدهایی دارد که مهم‌ترین آن «درک نازیسته» و از دور نسبت به مسائل مردم و اهالی یک اجتماع محلی است.

به طور معمول، از طریق رسانه‌ها گزارش می‌گیریم. نتیجه و نسخه‌ای متمایز از این گزارش‌ها برای رئیس‌جمهور ارسال می‌شود و قطعاً حاوی این نیز خواهد بود که در یک شهر یا استان چه مسائلی وجود دارد. زمانی هم از روی ضرورت و ناچارگی شاهد آن هستیم که رئیس‌جمهور نمی‌تواند به صورت حضوری با مردم در ارتباط باشد. بنابراین از طریق تلویزیون ارتباط برقرار می‌کند. این از جمله فرصت‌های افزایشی فناوری‌هایی مانند رسانه‌های جمعی است (خاصیت افزایشی). رئیس‌جمهور بی‌واسطه نمی‌تواند همه ابعاد مشکلات ما را درک کند. ناگزیر در قالب چند تصویر که ویرایش می‌شود، واقعیت‌ها را می‌بینند. اما مشکل آنجاست که زبان تصویر الکن است. برای نمونه، زمانی که گزارشی از یک بلای طبیعی برای رئیس‌جمهور ارسال می‌شود، صرفاً خاصیت اطلاع‌پیدا کردن دارد. زمانی هم ممکن است رئیس‌جمهور به صورت حضوری مشکل مردم سیل‌زده را درک کند. از این رو، مشکلات سرما و تهدید سلامت مردم را از نزدیک حس خواهد کرد. یا فهم این که مردم در حال عزاداری هستند یا فهم این که دقیقاً در چه سطحی از رنج قرار دارند، مستلزم حضور فیزیکی و مکانی است. آمار خانه‌های تخریب‌شده، یک تصویر انتزاعی به رئیس‌جمهور می‌دهند.

در تراکم اطلاعات که برای رئیس‌جمهور ارسال می‌شود، کیفیت هضم اطلاعات مهم است. به هر روی، در این روند تجربه تقلیل پیدا می‌کند و این خاصیت کاهشی رسانه‌های جمعی بزرگ‌ترین تهدید است. در فضای انتقالی، حجم اطلاعات افزایش و سرعت انتقال آن بیش‌تر می‌شود و این برای اطلاع‌یابی مفید است اما از کارکرد تجربه زیستی و انتقال فهم و درک تجربه مردم (سیاست‌گذاری عمیق) ناتوان است. دلایل بازنمایانه نیز دارد؛ به این معنی که زبان رسانه‌های تخریب‌شده، یک تصویر واقعی را ندارد.

خاطر نشان باید کرد که متناظر با دوگانه انتقالی-آیینی، سفرهای استانی اهمیت و ضرورت بی‌بدیلی از حیث هستی‌شناسی و صرف‌الوجود دارد که البته شخصیت دولت در کم‌وکیف آن بسی مؤثر است. این اما به منزله بی‌اهمیت شدن رویکرد انتقالی نیست بلکه به معنای برتری رویکرد آیینی بر رویکرد انتقالی است. **۱۱**

مسیر ارتباطات  
انتقالی هرچند  
قدرت افزایشی  
دارد (وسعت یافتن  
تعداد مخاطبان)  
و فرصت‌هایی  
را در اختیار ما  
قرار می‌دهد اما  
تهدیدهایی دارد  
که مهم‌ترین آن  
«درک نازیسته»  
و از دور نسبت  
به مسائل مردم  
و اهالی یک  
اجتماع محلی  
است.